



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی صورخیال در غزلیات امیر خسرو دهلوی

استاد راهنما:

دکتر محمد امیر مشهدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله واثق عباسی

تحقیق و نگارش:

محدثه طهماسبی کوهبنانی

این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است

دی ۱۳۹۱

تقديم به

پدر و مادر مهربان و فداکارم

و

همسر عزیز و گرانقدرم

سیاسگزاری

سیاس و ستایش از پروردگار مهربان که هرچه داریم از فضل و رحمت بیکران اوست.

شایسته است از استاد راهنمای بزرگووارم، جناب آقای محمد امیر مشهدی به پاس راهنمایی های دلسوزانه و زحمات بی شماری که کشیده اند، سپاس گزاری نمایم و از خداوند منان برای ایشان طول عمر با عزت خواستارم.

نای دکتر عبدالله واثق عباسی به خاطر همکاری صمیمانه شان سپاسگزارم.

از پدر و مادر مهربان و دوست داشتنی ام که همواره در طول سال های زندگی ام، حامی و پشتیبان من بوده اند، قدر دانی می کنم و به راستی که اگر مهر و محبت و از خودگذشتگی های ایشان نبود، بنده به این مرتبه علمی نمی رسیدم.

از همسر مهربان و گرانقدرم سپاسگزارم که مرا در انجام این پایان نامه یاری نموده است و وجودش آرامشی است وصف ناشدنی در سراسر زندگی ام.

از دوست عزیزم اسما شمس الدینی که در دوران کارشناسی و کارشناسی ارشد، همواره برایم دوستی صمیمی و دلسوز بوده و هست، قدردانی می کنم و از سایر دوستان مهربان و عزیزم، رعنا جمشد بیگی، دکتر زهرا صادقی (آ.م)، فراست پیروزی نژاد، صدیقه کریمی، لیلا جوادی زاده، زهره شجاع پور، صدیقه کم سفیدی، سکینه هاشمی، اعظم رضانی و دوستان دیگری که نامشان را ذکر نکرده ام، به خاطر همه ی مهربانی هایشان سپاسگزارم و برای یکایک شان آرزوی سلامتی و خوشبختی دارم.

چکیده

امیرخسرو دهلوی یکی از شاعران قرن هفتم و دوران حمله ی مغول است که نقش بسزایی در ماندگاری زبان فارسی در هندوستان داشته است و درواقع می توان وی را هم پایه ی برخی از شاعران توانای ایرانی دانست. بررسی غزلیات وی عرصه ای برای نشان دادن قدرت شاعری و تصویرپردازی او به شمار می رود به همین علت در این پژوهش صور خیال موجود در غزل های این شاعر گران قدر، در شش فصل بررسی شده است که شامل:

فصل اول: تعاریف و کلیات که شامل: تعریف علم بیان، عنصر خیال و تصویر ، صورخیال، سیر غزل و شرح حال امیرخسرو دهلوی و هنرمندی وی در عرصه ی زبان و ادب فارسی است.

فصل دوم: تشبیه که شامل انواع آن و بررسی جایگاه هر یک در غزلیات امیرخسرو دهلوی می باشد.

فصل سوم: مواد تشبیه که بررسی مواد و عناصری است که مشبه و مشبه به را به هم پیوند می دهد.

فصل چهارم: استعاره: تعریف استعاره و انواع آن به همراه نمونه هایی از غزل های امیرخسرو دهلوی.

فصل پنجم: مجاز و انواع آن به لحاظ علایق موجود در دیوان شاعر.

فصل ششم: کنایه و انواع آن به لحاظ فعل و موصوف و صفت.

واژگان کلیدی: امیرخسرو دهلوی، غزل، صور خیال، تشبیه، مواد تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۱.....
فصل اول: تعاریف و کلیات.....	۳.....
۱-۱ علم بیان.....	۴.....
۱-۱-۱ فایده ی علم بیان.....	۵.....
۱-۱-۲ تخیل و تصویر.....	۵.....
۱-۱-۳ صورخیال.....	۶.....
۲-۱ غزل.....	۷.....
۱-۲-۱ معنای لغوی و اصطلاحی غزل.....	۷.....
۲-۲-۱ موضوع غزل.....	۸.....
۳-۲-۱ غزل در زبان عربی.....	۸.....
۴-۲-۱ تاریخچه و سیر غزل.....	۸.....
۵-۲-۱ دگرگونی چهره ی عاشق و معشوق در غزل.....	۱۲.....
۶-۲-۱ سبک امیرخسرو دهلوی در غزل.....	۱۳.....
۳-۱ شرح حال امیرخسرو دهلوی.....	۱۴.....
۱-۳-۱ امیرخسرو، شاعری درباری.....	۱۵.....
۲-۳-۱ امیرخسرو، شاعری هنرمند.....	۱۶.....
۳-۳-۱ تألیفات و آثار.....	۱۷.....
فصل دوم: تشبیه.....	۱۹.....
۱-۲ اهمیت تشبیه.....	۲۰.....
۲-۲ تعریف تشبیه.....	۲۰.....
۳-۲ زیبایی تشبیه.....	۲۱.....
۴-۲ انواع تشبیه به اعتبار طرفین.....	۲۲.....
۱-۴-۲ تشبیه حسی به حسی.....	۲۲.....
۲-۴-۲ تشبیه حسی به عقلی.....	۲۳.....
۳-۴-۲ تشبیه عقلی به عقلی.....	۲۳.....
۴-۴-۲ تشبیه عقلی به حسی.....	۲۴.....
۵-۴-۲ تشبیه خیالی و وهمی.....	۲۵.....
۵-۲ انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین.....	۲۵.....
۱-۵-۲ تشبیه مفرد به مفرد.....	۲۶.....

- ۲۶ ۲-۵-۲ تشبیه مفرد به مقید.....
- ۲۷ ۳-۵-۲ تشبیه مفرد به مرکب.....
- ۲۷ ۴-۵-۲ تشبیه مقید به مفرد.....
- ۲۷ ۵-۵-۲ تشبیه مقید به مقید.....
- ۲۸ ۶-۵-۲ تشبیه مقیده به مرکب.....
- ۲۸ ۷-۵-۲ تشبیه مرکب به مفرد.....
- ۲۸ ۸-۵-۲ تشبیه مرکب به مقید.....
- ۲۸ ۹-۵-۲ تشبیه مرکب به مرکب.....
- ۲۹ ۶-۲ انواع تشبیه به اعتبار ادات.....
- ۲۹ ۱-۶-۲ تشبیه مرسل.....
- ۲۹ ۲-۶-۲ تشبیه موکد.....
- ۳۰ ۷-۲ انواع تشبیه به اعتبار وجه شبه.....
- ۳۰ ۱-۷-۲ انواع تشبیه از لحاظ وجود و عدم وجود وجه شبه.....
- ۳۰ ۱-۱-۷-۲ تشبیه مجمل.....
- ۳۱ ۲-۱-۷-۲ تشبیه مفصل.....
- ۳۱ ۲-۷-۲ انواع تشبیه به اعتبار مفرد، متعدد و مرکب بودن وجه شبه.....
- ۳۱ ۱-۲-۸-۲ وجه شبه مفرد.....
- ۳۲ ۲-۲-۷-۲ وجه شبه متعدد.....
- ۳۲ ۳-۲-۷-۲ وجه شبه مرکب.....
- ۳۳ ۳-۷-۲ انواع تشبیه به اعتبار تحقیقی و تخیلی بودن وجه شبه.....
- ۳۳ ۱-۳-۷-۲ وجه شبه تحقیقی (راستین).....
- ۳۳ ۲-۳-۷-۲ وجه شبه تخیلی (پندارین).....
- ۳۴ ۴-۷-۲ وجه شبه دوگانه (استخدام).....
- ۳۴ ۸-۲ تشبیه بلیغ.....
- ۳۵ ۱-۸-۲ تشبیه بلیغ اضافی (اضافه ی تشبیهی).....
- ۳۵ ۱-۱-۸-۲ اضافه ی تلمیحی.....
- ۳۵ ۲-۱-۸-۲ اضافه ی اساطیری.....
- ۳۶ ۳-۱-۸-۲ اضافه ی سمبلیک.....
- ۳۶ ۲-۸-۲ تشبیه بلیغ غیراضافی.....
- ۳۶ ۹-۲ تشبیه گسترده و فشرده.....
- ۳۷ ۱۰-۲ انواع تشبیه از لحاظ شکل.....
- ۳۷ ۱-۱۰-۲ تشبیه مفروق (جدا).....

۳۷.....	۲-۱۰-۲ تشبیه ملفوف (در پیچیده).....
۳۷.....	۳-۱۰-۲ تشبیه تسویه.....
۳۸.....	۴-۱۰-۲ تشبیه جمع.....
۳۸.....	۵-۱۰-۲ تشبیه تمثیل.....
۳۹.....	۶-۱۰-۲ تشبیه مشروط.....
۴۰.....	۷-۱۰-۲ تشبیه تفضیل.....
۴۱.....	۸-۱۰-۲ تشبیه مشروط تفضیلی.....
۴۱.....	۹-۱۰-۲ تشبیه مضمّر (نهان یا ضمنی).....
۴۲.....	۱۰-۱۰-۲ تشبیه مضمّر تفضیلی.....
۴۲.....	۱۱-۱۰-۲ تشبیه مضمّر ملفوف.....
۴۳.....	۱۲-۱۰-۲ تشبیه معکوس (مقلوب).....
۴۳.....	۱۳-۱۰-۲ تشبیه معکوس تفضیلی.....
۴۳.....	۱۱-۲ نوآوری در صور خیال.....
۴۳.....	۱-۱۱-۲ تشبیه در تشبیه.....
۴۴.....	۲-۱۱-۲ واژگان تشبیهی.....
۴۵.....	فصل سوم: بررسی مواد تشبیه.....
۴۶.....	۱-۳ بخش اول مشبه: معشوق و اعضا و جوارح وی.....

مشبه به:

۴۶.....	۱-۱-۳ ۱- معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی.....
۴۸.....	۲-۱-۳ ۲- انسان و متعلقات آن.....
۴۹.....	۳-۱-۳ ۳- شخصیت های تاریخی، اساطیری، دینی و مذهبی و متعلقات آن ها.....
۵۰.....	۴-۱-۳ ۴- گل ها و گیاهان و اجزای آن ها.....
۵۲.....	۵-۱-۳ ۵- درختان و اجزای آن ها.....
۵۲.....	۶-۱-۳ ۶- حیوانات، جانوران و پرندگان.....
۵۳.....	۷-۱-۳ ۷- آسمان، اجرام آسمانی و متعلقات آن ها.....
۵۴.....	۸-۱-۳ ۸- عناصر طبیعی.....
۵۵.....	۹-۱-۳ ۹- زمان، اوقات و فصل ها.....
۵۶.....	۱۰-۱-۳ ۱۰- جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی.....
۵۷.....	۱۱-۱-۳ ۱۱- خوردنی ها و آشامیدنی ها.....
۵۸.....	۱۲-۱-۳ ۱۲- مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی.....
۵۹.....	۱۳-۱-۳ ۱۳- اشیاء، ابزارآلات و غیره.....
۶۴.....	۱۴-۱-۳ ۱۴- اشکال هندسی و حروف.....

۲-۳ مشبه: عاشق (امیر خسرو) و اعضا و جوارح وی ۶۴
مشبه‌به:

- ۱-۲-۳ معشوق (اندام های معشوق) ۶۴
۲-۲-۳ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی ۶۴
۳-۲-۳ انسان و متعلقات آن ۶۴
۴-۲-۳ شخصیت های تاریخی، اساطیری، دینی و مذهبی و متعلقات آن ها ۶۵
۵-۲-۳ گل ها و سایر گیاهان و اجزای آن ها ۶۶
۶-۲-۳ درختان و اجزای آن ها ۶۷
۷-۲-۳ حیوانات، جانوران و پرندگان ۶۷
۸-۲-۳ اجرام آسمانی و متعلقات آن ها ۶۸
۹-۲-۳ عناصر طبیعی ۶۸
۱۰-۲-۳ زمان، اوقات و فصل ها ۷۰
۱۱-۲-۳ جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی ۷۰
۱۲-۲-۳ خوردنی ها و آشامیدنی ها ۷۱
۱۳-۲-۳ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی ۷۲
۱۴-۲-۳ اشیاء، ابزارآلات و ۷۲
۱۶-۲-۳ اشکال هندسی و حروف ۷۴
۳-۳ مشبه: معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی ۷۴

مشبه‌به:

- ۱-۳-۳ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی ۷۵
۲-۳-۳ انسان و متعلقات آن ۷۵
۳-۳-۳ شخصیت های تاریخی، اساطیری، دینی و مذهبی و متعلقات آن ها ۷۶
۴-۳-۳ گل ها و سایر گیاهان و اجزای آن ها ۷۷
۵-۳-۳ درختان و اجزای آن ها ۷۷
۶-۳-۳ حیوانات، جانوران و پرندگان و متعلقات آن ها ۷۷
۷-۳-۳ عناصر طبیعی ۷۸
۸-۳-۳ زمان، اوقات و فصل ها ۷۹
۹-۳-۳ جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی ۸۰
۱۰-۳-۳ خوردنی ها و آشامیدنی ها ۸۰
۱۱-۳-۳ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی ۸۱
۱۲-۳-۳ اشیاء، ابزارآلات و غیره ۸۳
۴-۳ مشبه: انسان و متعلقات آن ۸۷

مشبهه به:

- ۳-۴-۱: معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی ۸۷
- ۳-۴-۲ انسان و متعلقات آن ۸۷
- ۳-۴-۳ شخصیت های تاریخی، اساطیری، دینی و مذهبی ۸۷
- ۳-۴-۴ گل ها و سایر گیاهان و اجزای آن ها ۸۸
- ۳-۴-۵ حیوانات، جانوران و پرندگان و متعلقات آن ها ۸۸
- ۳-۴-۶ آسمان، اجرام آسمانی و متعلقات آن ها ۸۸
- ۳-۴-۷ عناصر طبیعی ۸۸
- ۳-۴-۸ زمان، اوقات و فصل ها ۸۹
- ۳-۴-۹ خوردنی ها و آشامیدنی ها ۸۹
- ۳-۴-۱۰ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی ۸۹
- ۳-۴-۱۱ اشیا، ابزارآلات و غیره ۸۹
- ۳-۵-۵ مشبهه: شخصیت های تاریخی، اساطیری، دینی و مذهبی ۸۹

مشبهه به:

- ۳-۵-۱ خوردنی ها و آشامیدنی ها ۸۹
- ۳-۵-۲ جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی ۸۹
- ۳-۵-۳ اشیا، ابزارآلات و غیره ۸۹
- ۳-۶-۶ مشبهه: گل ها و سایر گیاهان و اجزای آن ها ۹۰

مشبهه به:

- ۳-۶-۱ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی ۹۰
- ۳-۶-۲ انسان و متعلقات آن ۹۰
- ۳-۶-۳ عناصر طبیعی ۹۰
- ۳-۶-۴ جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی ۹۰
- ۳-۶-۵ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی ۹۰
- ۳-۶-۶ اشیا، ابزارآلات و غیره ۹۰
- ۳-۷-۷ مشبهه: درختان و اجزای آن ها ۹۰
- ۳-۷-۱ مشبهه به: معشوق ۹۱
- ۳-۸-۸ مشبهه: حیوانات، جانوران، پرندگان و اعضای آن ها ۹۱
- ۳-۸-۱ مشبهه به: عاشق (امیر خسرو) ۹۱
- ۳-۹-۹ مشبهه: آسمان، اجرام آسمانی و متعلقات آن ها ۹۱

مشبهه به:

- ۳-۹-۱ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی ۹۱

- ۹۱-۳-۹-۲ انسان و متعلقات آن.....
- ۹۱-۳-۹-۳ گل ها و سایر گیاهان و اجزای آن ها.....
- ۹۱-۳-۹-۴ حیوانات، جانوران، پرندگان و متعلقات آن ها.....
- ۹۱-۳-۹-۵ عناصر طبیعی.....
- ۹۲-۳-۹-۶ جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی.....
- ۹۲-۳-۹-۷ خوردنی ها و آشامیدنی ها.....
- ۹۲-۳-۹-۸ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی.....
- ۹۲-۳-۹-۹ اشیا، ابزارآلات و غیره.....
- ۹۲-۳-۱۰-۳ مشبه: عناصر طبیعی.....

مشبه‌به:

- ۹۲-۳-۱۰-۱ عاشق (امیر خسرو).....
- ۹۲-۳-۱۰-۲ انسان و متعلقات آن.....
- ۹۳-۳-۱۰-۳ عناصر طبیعی.....
- ۹۳-۳-۱۱-۳ مشبه: زمان، اوقات و فصل ها.....

مشبه‌به:

- ۹۳-۳-۱۱-۱ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی.....
- ۹۳-۳-۱۱-۲ انسان و متعلقات آن.....
- ۹۳-۳-۱۱-۳ عناصر طبیعی.....
- ۹۳-۳-۱۱-۴ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی.....
- ۹۳-۳-۱۱-۵ اشیا، ابزارآلات و غیره.....
- ۹۴-۳-۱۲-۳ مشبه: جواهرات، فلزات و سنگ های قیمتی.....

مشبه‌به:

- ۹۴-۳-۱۲-۱ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی.....
- ۹۴-۳-۱۲-۲ اشیا، ابزارآلات و غیره.....
- ۹۴-۳-۱۳-۳ مشبه: خوردنی ها و آشامیدنی ها.....

مشبه‌به:

- ۹۴-۳-۱۳-۱ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی.....
- ۹۴-۳-۱۳-۲ گل ها و سایر گیاهان و اجزای آن ها.....
- ۹۴-۳-۱۳-۳ حیوانات، جانوران، پرندگان و متعلقات آن ها.....
- ۹۴-۳-۱۳-۴ خوردنی ها و آشامیدنی ها.....
- ۹۴-۳-۱۳-۵ اشیا، ابزارآلات و غیره.....
- ۹۴-۳-۱۴-۳ مشبه: مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی.....

مشبهه به:

- ۹۵-۳-۱۴-۱ معنویات، امور عقلی، مفاهیم مجرد و انتزاعی.....
- ۹۵-۳-۱۴-۲ انسان و متعلقات آن.....
- ۹۵-۳-۱۴-۳ مکان های مذهبی، طبیعی و انسانی.....
- ۹۵-۳-۱۴-۴ اشیا، ابزارآلات و غیره.....
- ۹۵-۳-۱۵-۱ مشبهه: اشیا، ابزارآلات و غیره.....

مشبهه به:

- ۹۵-۳-۱۵-۱ عاشق(امیر خسرو).....
- ۹۵-۳-۱۵-۲ انسان و متعلقات آن.....
- ۹۵-۳-۱۵-۳ شخصیت های تاریخی، اساطیری، دینی و مذهبی.....
- ۹۶-۳-۱۵-۴ حیوانات، جانوران، پرندگان و متعلقات آن ها.....
- ۹۶-۳-۱۵-۵ آسمان، اجرام آسمانی و متعلقات آن ها.....
- ۹۶-۳-۱۵-۶ اشیا، ابزارآلات و غیره.....
- ۹۷-۳-۱۵-۷ فصل چهارم: استعاره.....

- ۹۸-۴-۱ تعریف استعاره.....
- ۹۹-۴-۲ هدف از استعاره.....
- ۹۹-۴-۳ ارکان استعاره.....
- ۱۰۰-۴-۴ انواع استعاره.....
- ۱۰۰-۴-۴-۱ استعاره ی مصرّحه.....
- ۱۰۰-۴-۴-۱-۱ استعاره ی مصرّحه ی مجرّده.....
- ۱۰۱-۴-۴-۲-۱ استعاره ی مصرّحه ی مرشّحه.....
- ۱۰۲-۴-۴-۳-۱ استعاره ی مصرّحه ی مطلقه.....
- ۱۰۳-۴-۴-۲-۱ مواد استعاره ی مصرّحه.....
- ۱۰۳-۴-۴-۱-۲ مستعارله: معشوق و اعضا و جوارح وی.....
- ۱۰۳-۴-۴-۱-۳ معشوق.....
- ۱۰۶-۴-۴-۱-۶ رخسار.....
- ۱۰۷-۴-۴-۱-۷ خال.....
- ۱۰۷-۴-۴-۱-۷ قد و بالا.....
- ۱۰۷-۴-۴-۱-۷ زلف و طرّه.....
- ۱۰۸-۴-۴-۱-۸ چشم و نگاه.....
- ۱۰۸-۴-۴-۱-۸ ابروان.....
- ۱۰۸-۴-۴-۱-۸ اشک.....

۱۰۸.....	خوی و عرق.....
۱۰۸.....	لب و دهان.....
۱۰۹.....	بوسه.....
۱۰۹.....	خطّ و موهای روییده بر رخسار.....
۱۱۰.....	سخن گفتن.....
۱۱۰.....	۲-۲-۴-۴ مستعارله: عاشق.....
۱۱۰.....	عاشق.....
۱۱۰.....	مو و زلف.....
۱۱۰.....	لب و دهان.....
۱۱۱.....	اشک.....
۱۱۱.....	دل و سوز و گداز آن.....
۱۱۲.....	اشعار و سروده ها.....
۱۱۲.....	۳-۲-۴-۴ مستعارله: طبیعت.....
۱۱۲.....	گل ها و گیاهان و اجزای آن ها.....
۱۱۳.....	افلاک، آسمان ها و متعلقات آن.....
۱۱۳.....	باران و شبنم.....
۱۱۳.....	۴-۲-۴-۴ مستعارله: سایر انسان ها و متعلقات ایشان.....
۱۱۳.....	عاشقان.....
۱۱۳.....	زیبارویان.....
۱۱۴.....	انسان های بی ارزش.....
۱۱۴.....	اشک، آه و ناله.....
۱۱۴.....	وجود و نهاد انسان.....
۱۱۴.....	۵-۲-۴-۴ سایر موارد.....
۱۱۴.....	دنیا.....
۱۱۴.....	زیبایی های دنیا.....
۱۱۴.....	عشق.....
۱۱۴.....	حضرت یوسف.....
۱۱۵.....	شراب و جام شراب.....
۱۱۵.....	شعله ی شمع.....
۱۱۵.....	۳-۴-۴ استعاره ی مکنیه (بالکنایه).....
۱۱۵.....	۱-۳-۴-۴ اضافی.....
۱۱۶.....	۲-۳-۴-۴ تشخیص.....

۱۱۷.....	۴-۳-۲-۱ انسان مدار.....
۱۱۸.....	۴-۳-۲-۲ جانور مدار.....
۱۱۸.....	۴-۳-۲-۳ شیء مدار.....
۱۱۹.....	۴-۵ انواع استعاره به اعتبار لفظ مستعار.....
۱۱۹.....	۴-۵-۱ استعاره ی اصلیه.....
۱۱۹.....	۴-۵-۲ استعاره ی تبعیه.....
۱۲۰.....	۴-۶ نوآوری در صور خیال.....
۱۲۰.....	۴-۶-۱ استعاره در استعاره.....
۱۲۰.....	۴-۶-۲ استعاره در تشبیه.....
۱۲۲.....	فصل پنجم: مجاز
۱۲۳.....	۵-۱ تعریف مجاز.....
۱۲۳.....	۵-۲ قرینه ی مجاز.....
۱۲۴.....	۵-۳ علاقه ی مجاز.....
۱۲۴.....	۵-۴ مجاز مرسل.....
۱۲۴.....	۵-۵-۱ علایق مجاز.....
۱۲۴.....	۵-۵-۱ علاقه ی کلیت و جزئیت.....
۱۲۴.....	ذکر کل و اراده ی جزء.....
۱۲۵.....	ذکر جزء و اراده ی کل.....
۱۲۷.....	۵-۵-۲ علاقه ی حال و محل یا ظرف و مظهر.....
۱۲۷.....	ذکر محل و اراده ی حال.....
۱۲۸.....	ذکر ظرف و اراده ی مظهر.....
۱۲۹.....	ذکر حال و اراده ی محل.....
۱۲۹.....	ذکر مظهر و اراده ی ظرف.....
۱۲۹.....	۵-۵-۳ علاقه ی لازمیت و ملزومیت.....
۱۲۹.....	ذکر ملزوم و اراده ی لازم.....
۱۲۹.....	ذکر لازم و اراده ی ملزوم.....
۱۳۰.....	۵-۵-۴ علاقه ی سببیت یا علت و معلول.....
۱۳۰.....	۵-۵-۵ علاقه ی آلیت.....
۱۳۱.....	۵-۵-۶ علاقه ی عموم و خصوص.....
۱۳۱.....	ذکر خاص و اراده ی عام.....
۱۳۲.....	ذکر عام و اراده ی خاص.....
۱۳۲.....	۵-۵-۷ علاقه ی ماکان و مایکون.....

۱۳۲.....	علاقه ی ماکان.....
۱۳۲.....	علاقه ی مایکون.....
۱۳۳.....	۸-۵-۵ علاقہ ی جنس.....
۱۳۳.....	۹-۵-۵ علاقہ ی بنوت.....
۱۳۳.....	۱۰-۵-۵ علاقہ ی مجاورت.....
۱۳۴.....	۱۱-۵-۵ علاقہ ی شباهت.....
۱۳۵.....	فصل ششم: کنایه.....
۱۳۶.....	۱-۶ تعریف کنایه.....
۱۳۷.....	۲-۶ انواع کنایه به اعتبار مکنی عنہ.....
۱۳۷.....	۱-۲-۶ کنایه از موصوف (اسم).....
۱۴۲.....	۲-۲-۶ کنایه از صفت.....
۱۴۶.....	۳-۲-۶ کنایه از فعل (مصدر).....
۱۵۶.....	۳-۶ انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا.....
۱۵۶.....	۱-۳-۶ تلویح.....
۱۵۶.....	۲-۳-۶ ایما.....
۱۵۶.....	۳-۳-۶ رمز.....
۱۵۸.....	نتیجه گیری.....
۱۶۰.....	فهرست منابع.....

پیدایش شعر و ادب بیش از هر چیز مدیون تخیلات قوی شاعران می باشد. از مهمترین و بنیادی ترین مسایل در حوزه ی بلاغت، علم بیان است که به کمک صور خیال، عواطف و احساسات شاعر را به نمایش می گذارد. صور خیال که شامل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه می شود در واقع خواننده را با دنیایی آشنا می کند که در آن همه ی عناصر، زنده و پویا هستند. غزل یکی از بهترین قالب های شعر فارسی است که صور خیال در آن جلوه ی بیشتری دارند. امیر خسرو دهلوی یکی از شاعران قرن هفتم هند است که از صورخیال در اشعارش به طور گسترده بهره برده است به گونه ای که غزلی را نمی بینیم که خالی از این عناصر خیال انگیز باشد. وی به رغم صنایع بدیعی بسیاری که در اشعارش به کار گرفته است، ویژگی سهل و ممتنع بودن شعرش را حفظ نموده است به گونه ای که برای خواننده یادآور شیوه ی سعدی است. تشبیهات و استعارات زیبا و در عین حال ساده و روان و قابل فهم از مهمترین عناصر کاربردی در غزلیات امیر خسرو می باشد.

در این پژوهش سعی بر آن است که چهار عنصر خیال در غزل های امیر خسرو دهلوی مورد بررسی واقع شود تا زمینه ای برای آشنایی بیشتر با کاربرد این عناصر و همچنین شیوه ی شاعری وی باشد.

تعریف مسأله و بیان سوال های اصلی تحقیق

نقد شعر با توجه به نگاه نقادان، از سال ها پیش مسیر خود را طی کرده و رو به رشد و شکوفایی است. آثار ادبی از جهات مختلف و از دید پنج عنصر شعری، مورد بررسی قرار می گیرند؛ از جمله این عناصر شعری، تخیل می باشد. عنصر تخیل، قدرت برقرار کردن ارتباط میان اشیا است. کار تخیل، ابداع و ایجاد تصویرهای خیال است و از طریق آن هاست که عاطفه و اندیشه شاعر، جنبه شعری به خود می گیرد و از صورت بیان مستقیم عادی و متداول بیرون می آید. با توجه به نکات یاد شده، گردآورنده این پژوهش، می کوشد تا به اندازه دریافت و دانش خود، توضیحاتی جامع در مورد هر یک از صورخیال، همراه با شواهدی از غزلیات امیرخسرو، ارائه دهد.

سوالات طرح شده در این پژوهش:

۱. آیا غزلیات امیرخسرو دهلوی، ساده و روان است، یا متکلف و دیرفهم؟
۲. آیا می توان در ساخت های صورخیال اشعار دهلوی، تازگی و نوآوری را مشاهده کرد؟
۳. بسامد کدام یک از صورخیال در اشعار دهلوی بیشتر است؟

سابقه و ضرورت انجام پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش، در نگاه نخست، شناخت بهتر امیرخسرو دهلوی و آشنایی دقیق با اندیشه و شعر اوست. هر چند درباره ی امیرخسرو دهلوی و آثارش، در جراید و مجله های گوناگون، مقاله هایی تحسین آمیز انتشار داده اند و نظریات پراکنده و فراوانی عنوان نموده اند، اما در مورد بررسی عنصر تخیل در غزلیات این شاعر هندی، تاکنون هیچ پژوهشی با دقت و حوصله صورت نگرفته است.

فرضیه ها

۱. امیرخسرو دهلوی، طراوت و ابتکار را همراه با سادگی سخن در غزل خود یکجا دارد.
۲. در ساخت های صورخیال دهلوی، تا حدی تازگی و نوآوری دیده می شود.
۳. تشبیه، پرکاربردترین صورت خیالی در شعر امیرخسرو می باشد.

اهداف پژوهش

- ۱- آشنایی با شرح حال امیرخسرو و هنر شاعری وی
- ۲- بررسی صور خیال و آشنایی بیشتر با انواع آن

نوآوری در طرح

نوآوری این پژوهش از آنجاست که تاکنون غزلیات امیرخسرو دهلوی، به طور گسترده، از دید خیال بررسی نشده است و تنها مقالاتی محدود در رابطه با این شاعر توانا نگاشته شده است که در حدی نیست که قدرت شاعری امیرخسرو را به نمایش بگذارد. اما در این پژوهش حاضر، با بررسی صورخیال در غزلیات وی می توان تا حدودی با سبک و شیوه ی او آشنا شد.

روش انجام پژوهش

روش انجام این پژوهش به شیوه ی کتابخانه ای است و مراحل آن به شرح زیر می باشد:

- ۱- خواندن کتاب ها و استخراج منابع دست اول از آن ها
- ۲- خواندن نشریات و مجلات علمی و استفاده از مقالات سودمند
- ۳- خواندن و بررسی غزل های دیوان از نظر صورخیال
- ۴- فیش برداری و تنظیم چیدمان و طرح اصلی پژوهش
- ۵- نوشتن و تایپ پایان نامه

روش ارجاع بیت های به کار رفته در این پژوهش، به کمک شماره ی غزل می باشد.

فصل اوّل

تعاريف و كليّات

۱-۱ علم بیان

فن بیان و آیین سخنوری از انفع علوم و اعظم فنون بشری است که با تأمل و تعمق در آن، آدمی به راز فصاحت و بلاغت پی می برد و بالنتیجه در بهبود کلام و بیان خود می کوشد و با پیروی از شیوه و روش بزرگان ادب و سخنوران نامی به تحسین سخن خویش توفیق می یابد. علم بلاغت و آیین سخنوری از عهد قدیم مورد توجه مردم متمدنی عالم، نظیر یونانیان و مردم هند بوده و در فنون مختلف آن به تألیف و تصنیف آثار سودمند و گران ارج، همت گماشته اند و با توجه به شواهد موجود می توان مدعی شد که در ایران قدیم همه ی علوم که مربوط به بیان و زبان است مورد کمال عنایت و نهایت اهتمام بوده است. (رجایی، ۱۳۷۲: الف)

دانش بیان از بنیادهای استوار بلاغت است و آموختن فنون و اشارات آن آدمی را با چهره های گوناگون خیال و صور رنگارنگ معنی آشنا می سازد و سرانجام معانی بر ژرفای دل انسان بنشیند و کمند تسلیم بر جان شنوندگان افکند. پایگاه بیان در آفرینش انسان تا بدانجا است که خدا در قرآن کریم فرموده: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عِلْمَهُ الْبَيَانِ» و در حدیث آمده است: «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا» (تجلیل، ۱۳۶۳: ۴۶-۴۵)

آدمی برای توصیف خیالات و اندیشه های گوناگونی که در ذهنش پیدا می شود، به آرایش دادن الفاظ و تعبیرات مختلف نیاز دارد و چون برای توصیف آن چه در فکر او ایجاد می شود به اندازه ی کافی کلمه یافت نمی شود، این است که می خواهد معنای واحد را به طرق گوناگون بازگو کند تا شنونده را خوش تر آید؛ مثل اینکه به جای کلمه ی «جوانی»، گاه می گوید: «بهار زندگانی»؛ زیرا روح تنوع طلب بشر نمی تواند او را به یک نوع سخن گفتن راضی کند؛ از طرفی مهمترین هدف و غرض شعر و نثر دلاویز، تأثیر و رسوخ در نفوس و عواطف است و برای این تأثیر، هرچه کلمات زیباتر و برجسته تر باشد، اثر آن بیشتر و تأثیرش در روح و عواطف زیادتر خواهد شد و برای همین است که شعرا و نویسندگان، به تشبیه، استعاره و کنایه توسل می جویند و معتقدند که تأثیر عاطفی تشبیه و استعاره به مراتب از کلام عادی بیشتر است. (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ۳۰۲)

در فن بیان است که معنی دوم براساس قانون های نهاده در صورت های خیالی قابل تشخیص است و تنها در این فن است که از ایراد معنی واحد به طرق مختلف بحث می شود. فن بیان و قواعد و قوانین آن در همه ی زبان ها و زمان ها یکی است و یکی بوده است و همچنان که با پیدایش هر زبانی، قواعد دستوری آن زبان نیز خلق شده است و با آن زبان همراه بوده و رشد کرده است و می کند. با پیدایش هنر ادبیات هر زبان، چهار شکل تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه بیانگر ظهور هنر ادبیات از چشمه ی زبان بوده و با گذشت زمان به مانند همین شکل ها، خود شکل گرفته و به سوی تکامل خویش روان است و همچون موجودی زنده به حیات خود ادامه می دهد. (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹)

بیکرانه ترین حوزه ی خلاقیت در ادبیات، علم بیان یا قلمرو صور خیال است. معانی در انحصار هیچ کس نیست و هر کس از دیدن مناظر زیبا به وجد می آید و از رو به رو شدن با صحنه های رقت بار و ناخوشایند

زندگی، متأثر و متألم می شود. هر پدیده از پدیده های زندگی را می توان با نیروی تخیل با هزاران تصویر ارائه داد. (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۳۲-۱۳۱)

بیان در لغت به معنی کشف و ایضاح است و در اصطلاح بلغا، عبارت است از اصول و قواعدی که شناخته می شود به آن ایراد معنی واحد به طرق مختلف که بعضی از آن طرق واضح الدلاله بر معنی مراد باشد و بعضی خفی با رعایت کردن مقتضی الحال؛ به طوری که حقیقت به جای مجاز و مجاز به جای حقیقت استعمال نشود. (آق اولی، ۱۳۴۰: ۱۳۸)

۱-۱-۱-۱ فایده ی علم بیان

در علم بیان با شیوه های مختلف ادای معنای واحد آشنا می شویم و می آموزیم که چگونه باید مراد شاعران را از واژه ها و عباراتی که در معنای اصلی خود به کار نرفته اند، دریافت. از این رو علم بیان راه ورود به دنیای مه آلود ادبیات است و رمزهای زبان ادبی را کشف می کند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۳)

به کمک این علم است که می توان استواری و والادستی یا فرودستی و خامی آثار ادبی را سنجید. در این روش شناخت است که شعر از غیر شعر و شاعر از غیر شاعر (شاعری که ذاتاً شاعر است) باز شناخته می شود. (طالبیان، ۱۳۷۸: ۳۲)

۱-۱-۲ تخیل و تصویر

شعر، گره خوردگی عاطفه و تخیل است که به زبانی آهنگین شکل گرفته است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۰)

تخیل از تاثیرگذارترین عوامل شعر است. تخیل همان تصرف شاعر در طبیعت است که به آفرینش صور خیال می انجامد.

براهنی تصویرسازی را مهمترین قسمت قدرت تخیل می داند و همچنین از نظر او، تصویر، حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متمایز به وسیله ی کلمات، در یک نقطه ی معین است. (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۱۳)

تصویر و تخیل، حاصل تفکر خلاق و ذهن تلاشگر شاعر است و برای شاعر و شعر او به عنوان یک عنصر سازنده و ثابت حتمی است. گزاره های تصویر برای شاعر همانند ابزار صورتگری برای نقاش است. از این باب است که دی لوئیس، شاعر انگلیسی می گوید: «ایماژ در شعر یک عنصر ثابت است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸)

تصویر مهم ترین عامل تخیل شعراست که از طریق آرایه های ادبی، توصیف و برخی چیدمان هنرمندانه ی واژگان در کنار هم به وجود می آید. «آدمی در کل با سه رویکرد به طبیعت می نگرد: رویکرد علمی برای شناخت، رویکرد دینی برای ستایش و رویکرد هنری برای محاکات، همدلی و آفرینش. رویکرد شاعران به جهان از نوع سوم است. شاعران کلاسیک از نظم زیبایی طبیعت تقلید می کنند. رمانتیک ها احساسات درونی و

ذاتیات روانی خود را در طبیعت می ریزند و جراحات روح را با انتقال آن به طبیعت التیام می بخشند. شاعران سمبولیست، طبیعت را سایه ی حقیقت والا می دانند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۲)

تصویر و خیال را معادل واژه ی ایماژ «image» قرار می دهند ولی آن دو را از هم متفاوت می دانند. تصویر کمی گسترده تر از خیال است؛ زیرا برای بهره گرفتن از ابزارهای علم بیان نیز می توان تصویر آفرید. برای مثال، فردوسی با آوردن اوصاف متعدد در شاهنامه، تصاویری بدیع و تخیلی می آفریند. اهمیت صفت در تصویر به حدی است که برخی معاصران آن را بر تشبیه و استعاره و مجاز برتری داده اند (آقاحسینی، ۱۳۸۶: ۵۱) و می گویند: «بهترین و شایسته ترین وسایل بیان، تصویری آوردن اوصاف است.» (بدوی، ۱۹۴۷: ۱۳۴)

عنصر خیال را نمی توان در ردیف دیگر اجزای شعر شمرد؛ بلکه این عنصر فعالترین و مهمترین عامل شرکت کننده ی در ایجاد شکل ذهنی یک شعر است. تصویر یا ایماژ شاعرانه در واقع نتیجه ی کارکرد خیال (بر مبنای جوهر شعر) در بستر زبان می باشد. البته نقش عنصر خیال در نظریات قدما کمتر مورد دقت قرار گرفته است و برای همین در گذشته به جای پرداختن به تصویر خیال به کارکرد آن (به ویژه نقش آن در تشکیل ساخت نهایی شعر) بیشتر به یک سلسله صنایع بدیعی و بیانی توجه شده است؛ در حالی که هیچ یک از این صنایع بدون در نظر گرفتن یک کلیت راه به جایی نخواهی برد و التذاذ هم که از راه به کارگیری صناعات کسب شود، بیشتر از آن که ذهن را متوجه ساختن کلی شعر کند، فقط به یک یا چند صنعت خاص معطوف خواهد داشت. (شعر دوست، ۱۹۹۷: ۲۷)

شاعر مستعد و خلاق به کمک تخیل قوی، به افق های تازه ای از زبان و اندیشه دست می یابد که می تواند مقاصد و آلام و آمال خود را در آن عرضه نماید. به همین جهت امروزه همه ی منتقدان ادبی خیال را خمیر مایه و عنصر اصلی شعر می دانند و معتقدند که در پرتو خیال می توان شاعرانه بیان کرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۱ و ۸۰)

این نظر که از روزگار ارسطو، تخیل صفت عمده ی شعر به شمار آمده است و پس از قرن هاست تکرار می شود نکته ای است دقیق. اگر شعر از خیال انگیزی و ابداعات تخیل بی نصیب بماند، خشک و بی روح خواهد بود. همه ی صور خیال، تشبیهات، استعارات، مراعات نظیرها، تداعی معانی، جان بخشیدن به مظاهر طبیعت، حتی انگیزش عواطف و اندیشه ها تا حدودی زیاد بر اثر تخیل صورت می گیرد. از این رو تخیل از دیر زمان تا امروز در نظر اهل نقد از عناصر مهم شعر و موضوع بحث های دراز دامن بوده است. (یوسفی، ۱۳۷۳: ۷۷۸)

۱-۱-۳ صور خیال

صور خیال عبارتند از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه و به کمک این چهار عامل است که

زمزمه ی اشعار شاعران، جان را جلایی خاص می بخشد و خواننده را به لذت بیشتر و درک عمیق تری از شعر می رساند.